

نکاتی چند در باره تأثیر زبان فرانسوی و انگلیسی در فارسی

در قرون اخیر بر اثر توسعه روابط سیاسی و فرهنگی و علمی ایران و ممالک مغرب زمین نفوذ زبان و ادبیات غرب بویژه زبان فرانسوی و انگلیسی در زبان فارسی روبهزونی نهاد و بسیاری از لغات و اصطلاحات و تعبیرات فرنگی یا بعین لفظ وارد زبان ما شد مانند کمیسیون ، کمیته ، شانس ، کسراوات ، کت ، والیبال ، فوتبال و لیدر و جز آنها و یا ترجمه آنها در زبان ما رایج گردید مثل وحدت نظر ، تبادل نظر ، اتخاذ تدابیر لازم ، ندای وجدان ، تاج گل ، نقطه نظر ، روی کسی حساب کردن ، دانشگاه ، دانشکده ، تعرفه گمرکی ، هیئت وزیران ، دادسرا ، مدیر کل ، اداره کل ، هیئت مدیره ، قوه مقننه ، قوه قضائیه ، مشروطیت ، مسؤولیت و صدها نظیر آنها .

در میان زبانهای فرنگی در درجه اول فرانسه و پس از آن انگلیسی نفوذ بیشتری در فارسی داشته اند و کارما در این مقاله بحث در باره ویژگیهای کلمات و تعبیراتی است که از این دو زبان ترجمه شده اند و قبلاً بدینسان در فارسی رایج نبوده اند . بسیاری از این لغات و اصطلاحات را فرهنگستان وضع کرده است و بوسیله نشریات و واژه نامه ها در دسترس مردم قرار داده است از این قبیلند باشکاه (Club) ، بایگانی (Archive) ، باستانشناسی (Archéologie) ، دانشکده (Faculté) و صدها نظیر آن .

بسیاری دیگر نیز بوسیله استادان ، مترجمان و کارشناسان علوم و فنون که بازبان فرانسوی و انگلیسی آشنائی دارند بزبان فارسی برگردانده شده اند و گاه واژه نامه هائی نیز از آنها ترتیب داده شده است از این قبیل است «مجموعه اصطلاحات علمی» که بوسیله دانشکاه تهران چاپ شده و «فرهنگ بازرگانی» تألیف ن. راست و «فرهنگ حقوقی» تألیف جعفری لنگرودی .

خوشبختانه شماره این واژه نامه ها روبهزونی است . و بیگمانه گردآوری این لغات و اصطلاحات و تعبیرات و گذاردن آنها در معرض افکار عمومی و یافتن معادل مناسب برای آنها از کارهای لازم و مفید برای فارسی معاصر است و ما نیز در این یادداشتها عده ای دیگر

از این لغات و تعبیرات را که کمتر جنبه فنی و تخصصی دارند و در نوشته‌های دیگر هم بنظر نرسیده‌اند بدست می‌دهیم و ضمناً بذکر برخی از شباهت‌های بین لغات و تعبیرات فارسی و فرانسه و انگلیسی نیز می‌پردازیم .

برای بسیاری از این گونه کلمات و تعبیرات نگارنده فقط معادل فرانسوی آنها را یافته است و البته این گروه بیشترند زیرا اولاً نویسنده با آثار فرانسه پیش از انگلیسی سروکار داشته است ثانیاً چنانکه پیش از این اشاره کردیم زبان فرانسوی پیش از انگلیسی در زبان فارسی نفوذ کرده است و دلایل آن از این قرار است :

نخست آنکه اکثر بنیان‌گذاران فرهنگ و تمدن جدید در کشور ما فارغ‌التحصیل آموزشگاه‌های فرانسه و سویس و بلژیک بوده‌اند و در نتیجه اصطلاحات و تعبیرات آن زبان را از راه جراید ، کتب فرهنگی ، نامه‌های اداری ، دروس دانشگاهی و آثار علمی جدید وارد زبان پارسی کرده‌اند .

دیگر بسیاری از قوانین و مقررات حقوقی ، اداری ، دانشگاهی ، فرهنگی ما بهمان دلیل از قوانین سویس ، بلژیک و فرانسه گرفته و ترجمه شده است .

سه دیگر زبان فرانسوی نخستین زبانی بود که بعنوان زبان خارجه در آموزشگاه‌های دولتی متوسطه و عالی ما تدریس آن معمول شد و این زبان تاچندی پیش نیز از این لحاظ در مدارس ما بی‌رقیب بود .

چهارم - فرانسه تا مدتی پیش کانون تمدن و فرهنگ جهان بوده و از حیث علوم و ادبیات و حقوق نه تنها در ایران بلکه در تمام جهان تأثیر بسزایی داشته است و اکنون هم آن کشور مرکز تحصیل حقوق ، فلسفه و ادبیات است .

پنجم ترکیبات زبان فرانسوی روی هم رفته از ترکیبات انگلیسی بزبان ما نزدیکتر است مثلاً در ترکیب اضافی ترتیب قرار گرفتن مضاف و مضاف‌الیه غالباً در فرانسه و فارسی یکسانست در حالیکه در انگلیسی همیشه چنین نیست .

با اینحال نباید غافل بود که تأثیر زبان فرانسوی در فارسی بیشتر مربوط به گذشته است چه در سالهای اخیر زبان انگلیسی در میهن ما جای زبان فرانسوی را گرفته است ولی شك نیست که این زبان در همان دوران اثر عمیقی در فارسی برجای نهاده است اینك مثال برای تعبیراتی که معادل فرانسوی آنها پیدا شده‌اند :

divergence de vue	اختلاف نظر
Les matières premières	مواد اولیه
Unité de vue	وحدت نظر

برخی از این تعبیرات در فرانسه دو معادل دارند مثل احساس احتیاج کردن که برابر است با *ressentir le besoin de* یا *avoir le besoin de* و این در موردیست که بقوان کلمه‌ای را با مترادف آن عوض کرد .

برای برخی دیگر تنها اصطلاح انگلیسی آنرا یافته‌ام و معادل فرانسوی آن بنظر من نرسیده است مانند :

Land reform	اصلاح ارضی
Filling application	پر کردن پرسشنامه
Hurt the Feeling	جریحه دار کردن احساسات

برای پاره‌ای هم معادل فرانسوی و هم معادل انگلیسی را پیدا کرده‌ام مانند:

<u>فرانسه</u>	<u>انگلیسی</u>	<u>فارسی</u>
En tout cas	In any case	در هر صورت
Le mois de miel	Honey moon	ماه عسل
Chaîne des montagnes	Chain of mountains	سلسله جبال
Profondement	Deeply	عمیقاً
Sous la direction de	Under the direction of	

زیر نظر ، تحت رهبری

این شواهد مینمایاند که بسیاری از این تعبیّرات در همه زبانها وجود دارند و تا حدی جنبه جهانی یافته‌اند و منحصر به زبان فرانسوی و انگلیسی و فارسی نیستند ولی البته هر يك از اینها ابتداء در يك زبان بكار رفته‌اند سپس بزبانهای دیگر ترجمه شده‌اند مثلاً اصطلاح پرده آهنین (Iron curtain در انگلیسی و Rideau de fer در فرانسه) بمعنی خاص سیاسی آن نخست در زبان انگلیسی و بوسیله چرچیل بكار رفته‌است و پس از آن وارد زبانهای دیگر شده‌است نهایت آنکه اغلب این تعبیّرات بوسیله زبان فرانسوی و انگلیسی بزبان ما آمده‌اند و گاه بدرستی نمیتوان تعیین کرد کدام اصطلاح نخستین بار از زبان انگلیسی و کداميك از زبان فرانسوی ترجمه شده‌اند از اینرو ما تأثیر این دوزبان را در زبان فارسی باهم مورد مطالعه قرار دادیم .

پاره‌ای از تعبیّرات فرانسوی و انگلیسی نیز از یکدیگر ترجمه شده‌اند بی آنکه ترجمه کلمه بکلمه آنها در فارسی راه یافته باشد . از این قبیلند :

<u>فرانسوی</u>	<u>انگلیسی</u>	<u>ترجمه کلمه بکلمه فارسی</u>	<u>معنی فارسی</u>
Prendre part	Take part	شرکت گرفتن	شرکت کردن
Partir pour	Leave for	عزیمت کردن برای	عزیمت کردن بسوی
Haut trahison	High treason	خیانت بلند	خیانت بمهین
En generale	in general	در کل	بطور کلی ، برویهم
En detail	in detail	در تفصیل	بتفصیل

شك نیست که بسیاری از این تعبیّرات و لغات بسیار زیبا ترجمه گردیده‌اند و مورد اقبال فارسی‌زبانان نیز قرار گرفته‌اند از این قبیلند . دانشگاه ، دانشکده ، دادرسی ، بررسی ، بازپرس و جز آنها ولی برخی دیگر نیز با نهایت بی‌ذوقی بفارسی برگردانده شده‌اند مثل :

«اتخاذ تدابیر لازم» که ترجمه *Prendre des mesures necessaires* فرانسه است و این اصطلاح بهتر بود «چاره اندیشی لازم» ترجمه میشد زیرا *Prendre* در این تعبیر بمعنی «اتخاذ» و «گرفتن» نیست بلکه بمعنی «بکار بردن» و «انجام دادن» است مترجم عربی مآب خواسته است با آوردن کلمه عربی «اتخاذ» بجای «گرفتن» که در اینجا هیچ معنایی ندارد زشتی و قبیح ترجمه غلط را پرده پوشی کند.

در بعضی از این اصطلاحات هم واژه های نامناسب بکار رفته و هم قواعد دستوری مراعات نگردیده مانند غلط مشهور «فوق الذکر» که ترجمه *Susmentionné* یا *Cité plus haut* فرانسه است.

باری کارما رد یا قبول این گونه اصطلاحات نیست بلکه غرض تنها بیان حقیقتی است واقع و شرح نکاتی است درباره فارسی معاصر و همچنین نشان دادن کلماتی است که خواه و ناخواه و عملاً وارد زبان ما شده اند و بوسیله گروه کثیری از مردم نیز بکار میروند و چنین کاری یعنی پژوهش درباره تأثیر زبانهای دیگر از مباحث مهم دانش نوین زبان شناسی است که در همه کشور های پیشرفته صورت میگیرد. این امر کارواژه سازان و دستداران زبان فارسی را نیز که میل دارند نشر امروز را تهذیب کنند و کلمات زیبای بی جای اصطلاحات مورد بحث بمردم عرضه کنند آسانتر میسازد چه با مراجعه بمجموعه های حاضر و آماده باسانی میتوانند لغاتی را که نمی پسندند پیدا کنند و بجای آنها ترکیبات مناسبتری بسازند و در دسترس مردم بگذارند آنگاه تا یار گرا خواهد و میشلش به که باشد.

گروهی بر آنند که برای این اصطلاحات و تمبیرات باید نظایر و مترادفهایی از آثار قدیم یافت ولی باید دانست که بسیاری از این اصطلاحات در آثار معادلی ندارند مثلاً «خط هوایی» در نوشته های پیشینیان مترادف نداشته است زیرا در آن زمان هوا پیمایی نبوده است که خط هوایی هم باشد ثانیاً تعبیراتی هم که در آثار قدیم مترادف داشته اند مانع گرد آوری آنها نیست فی المثل شك نیست که «تبادل نظر» در قدیم مترادفهایی از قبیل «رای زدن» و «مشورت» داشته است اما ما که مدعی نیستیم مفهوم «تبادل نظر» اصلاً در گذشته نبوده است بلکه فقط میگوئیم «تبادل نظر» بصورت امروزی آن تازگی دارد و ترجمه از زبان فرانسوی یا انگلیسی است و اگر هم کسی این تعبیر را نمی پسندد بهتر از آن را بسازد. بهر حال قصد ما هواخواهی از این لغات و تمبیرات یا مخالفت با آنها نیست بلکه غرض تنها عرضه کردن آنها است بدون اظهار نظر شخصی چه بحث درباره زشتی و زیبای این تمبیرات کار عده بیشتر و مستلزم مجال وسیعتری است.

برخی از تمبیرات فارسی بی آنکه از فرانسه و یا انگلیسی ترجمه شده باشند شباهت بسیاری با تمبیرات فرانسوی یا انگلیسی دارند دلیل اینکه این گونه عبارات از کلمات فرنگی ترجمه نشده اند آنست که در آثار قدیم فارسی که هیچ ارتباطی با زبان فرانسوی و انگلیسی نداشته است بکار رفته اند. از این قبیلند:

«فرمان بردن» فارسی و «Carry out the order» انگلیسی :

همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری (سعدی)

«در نظر داشتن» فارسی و «Avoir en vue» فرانسه

کسی کو تخت خسرو در نظر داشت هزاران جام کین خسرو ز برداشت (نظامی)

«بخطای خود اعتراف کردن» فارسی و «Avouer ses fauts» فرانسه

و بر فوت صحبت قدیم تاسف خورده و بخطای خویش اعتراف نموده معلوم کردم

(گلستان ص ۹۵ تصحیح مصفا)

«اندکی» در فارسی و «un peu» در فرانسه و «a little» در انگلیسی

تو ز دوری می نبینی جز که گرد اندکی پیش آی و بین در گرد مرد

(مثنوی دفتر ۳ ص ۵۹۲ چاپ بروخیم)

«کم کم» و «اندک اندک» در فارسی و «little by little» در انگلیسی و

«peu à peu» در فرانسه

پس حیات ماست موقوف نظام اندک اندک جهد کن تم الکلام

(مثنوی دفتر ۳ ص ۳۸۵ چاپ بروخیم)

«دوش بدوش» فارسی و «côte à côte» فرانسه و «side by side» انگلیسی

چاکران ایستاده صف در صف باده خواران نشسته دوش بدوش (هاتف اصفاغانی)

«بلند نظری» فارسی و «hauteur de vue» فرانسه :

که ای بلند نظر شاهباز سدره نشین نشیمن تو نه این کنج محنت آباد است (حافظ)

«اندر محن بودن» فارسی و «être en peine de» فرانسه :

خویشتن سوزیم و هر دو بر مراد دوستان دوستان در راحتند از ما و ما اندر محن

منوچهری

«از نو» در فارسی و «de nouveau» در فرانسه :

تا شدم حلقه بگوش در میخانه عشق هر دم آید غمی از نو بمبار کبادم (حافظ)

«مشتی» در فارسی و «une poignée» در فرانسه هم بمعنی مشت و هم بمعنی

گروهی (در مورد تحقیر) آمده اند.

و مشتئ او باش درهم شده بودند (بیهقی ص ۵۵۳ تصحیح دکتر فیاض)

«بیرون» فارسی و «hors» فرانسه هر دو دو معنی همانند دارند، یکی بمعنی خارج،

دیگر بمعنی بجز و با استثنای مورد اخیر در وقتی است که «بیرون» با کسره یا «از» بیاید و «hors»

با «de» بکار رود .

و بدیوان خواجه من که بوالفضل وی را بر پای ایستاده دیدمی که بیرون دبیری

و مترجمی پینامها بردی (بیهقی ص ۵۵۲ تصحیح دکتر فیاض) یعنی بجز دبیری

شش هزار غلام سرائی بود بیرون دیگر اصناف (همان کتاب ص ۵۶۸) یعنی بجز

اصناف دیگر

هزار سوار سلطانی بود با مقدمان لشکر چون قلیاق و دیگران بیرون از غلامان

(همان کتاب ص ۶۷۹)

یکی در بیابان سگی تشنه یافت برون از رمق در حیاتش نیافت (سعدی)
 «در حقیقت» فارسی و «فی الحقیقه» عربی و «en réalité» فرانسه و
 «in fact» انگلیسی.

در حقیقت خالق آثار اوست لیک جز علت نبیند اهل پوست
 (مثنوی دفتر ۳ چاپ بروخیم ص ۵۸۸)
 در حقیقت مادح ماه است او گر چه جهل او بعکسش کرد رو
 (همان کتاب ص ۴۸۷ س ۲۱۶۲)

«در اصل» فارسی و «فی الاصل» عربی، و «en principe» فرانسه و
 «in principle» انگلیسی:

کدا اگر گهر پاک داشتی دراصل بر آب نقطه شرمش مدار بایستی
 (حافظ س ۳۷۳ تصحیح قزوینی)

«بی آنکه» در فارسی و «sans que» در فرانسه
 پس آن کیمیا برمس می نهاد و جمله زرمی گشت بی آنکه موسی فرموده بود
 (ترجمه تفسیر طبری ص ۷۵ ج ۱ تصحیح حبیب یغمائی)

«کورانه» و «کور کورانه» فارسی و «aveuglement» فرانسه
 چشم اگر داری تو کورانه میا و ر نداری چشم دست آور عصا
 (مثنوی دفتر ۲ ص ۳۹۵)

«نیم مرده» فارسی و «demi mort» فرانسه
 بگردار چراغ نیم مرده که هر ساعت فزون گرددش روغن (منوچهری)

«پاسخ دادن» فارسی و «donner une reponse» فرانسه
 تهمتن چنین داد پاسخ بدوی که ای بیهده مرد پر خاشجوی (فردوسی)

«همکار» فارسی و «Collaborateur» فرانسه
 مکن یار بدخواه و همکار بد که تنها بسی به که با یار بد (اسدی)
 حدیث مدعیان و خیال همکاران همان حکایت زردوز و بوری بافت (حافظ)

«بیگمان و بیشک» که فارسی و «Sans doute» فرانسه.
 بیگمان در پهلوی «اپیگمان» بوده و در فارسی قدیم نیز بیشک و بیگمان بسیار بار

رفته است :

۱- این گونه اصطلاحات مشترك بين چند زبان که خود بخود وبدون تاجر از یکدیگر بوجود آمده اند میتواند مورد استناد زبان شناسان و دستور دانانی که زبان را محصول مستقیم اندیشه میدانند قرار گیرد و نظر آنان را تقویت کند. همین مشاهدات است که در قدیم و قرون ۷ و ۱۸ میلادی گروهی از حکما را بر آن داشت که «ستور زبان» کلی یعنی دستوری که قواعد آن در همه زبانها قابل تعمیم باشد تالیف کنند رجوع شود بمقاله نگارنده زیر عنوان «رابط دستور زبان با منطق و روان شناسی» در مجله کاوش شماره ۶ مهر ماه ۴۱

چو هشیار گردد پدر بیگمان
سواران فرستد پس من دمان
فردوسی ص ۵۲۵ چاپ بروخیم
آتش و پنبه است بیشک مردوزن
گفت بابا چون کنم پرهیز من
(مثنوی ص ۱۰۲۵ چاپ بروخیم دفتر ۵)
«نه تنها... بلکه» که درست برابر است با «(Nou seulement...mais...)

فرانسه .

مانند :

Nous avons besoin , non seulement de nourriture
mais de boisson .

بی ادب تنها نه خود را داشت بد بلکه آتش در عمه آفان زد مولوی
گاهی بجای «بلکه» «که» استعمال میشود.
نه تنها شد ایوان و تختش بیاد که کس دخمه نیزش ندارد بیاد
(از ساقی نامه حافظ)

«سبکسر» فارسی و «tête légère» فرانسه

«درخفیه» و «درخفا» و «درنهان» و «درنهفت» فارسی و «en secret»
هماندم که درخفیه این راز رفت حکایت بگوش ملک باز رفت
(بوستان ص ۱۸۹ تصحیح مصفا)

مرا این سه گرانمایه را در نهفت بیاید همی شاهزاده سه جفت
(شاهنامه ج ۱ ص ۶۷)

«بیک لحظه» و «بیکدم» و «بیک نفس» و «دریک لحظه» فارسی و «en un moment»

فرانسه .

بدروازه مرگ چون در شوند بیک لحظه با هم برابر شوند (سعدی)
این عقوبت بیک نفس بسر آید (گلستان ص ۳۴ تصحیح مصفا).

دوستی را که بعمری فراچنگ آرند نشاید که بیکدم بیازارند
(همان کتاب ص ۱۳۳)

در عوض فارسی و «en revanche» فرانسه .

غم زد دل هر چه بریزد یا برد در عوض حقا که بهتر آورد (مولوی)
تن به تن فارسی و «Corps à corps» فرانسه

جو با مؤبدان رأی خواهی زدن بهم شان مخوان جز جدا تن به تن
(گرشاسینامه اسدی)

حل کردن در فارسی و «resoudre» در فرانسه دو معنی دارند یکی تجزیه

اشیاء مانند (حل قند در آب) و دیگر حل مسائل و موضوعات و معماها :

چه گفتم چو حل کردم این راز را بشارت خداوند شیراز را
(۲۱۹ بوستان مصفا)

«بعلت» در فارسی و «à cause de» در فرانسه .

پسرش خمر خورده است و عریبه کرده است ... پدر را بعلت او سلسله در نای است
(ص ۱۱۲ گلستان مصفا)

پیش بینی کردن بنظر میرسد ترجمه از Prevoir فرانسه است ولی «پیش بین»
در شاهنامه بکار رفته است .

کجا گفته بودش یکی پیشین
که پر دخته ماند ز تو این زمین
(شاهنامه چاپ بروخیم ج ۱ ص ۵۵)

چه گوید کنون مؤبد پیشین
چه بینند فرزانشگان اندرین
(۱۶۹ شاهنامه چاپ بروخیم ج ۱)

«نقش باختن» فارسی و «Jouer un rôle» فرانسه و «role playing» انگلیسی

پیل زورگفت نقشی با آن ملعون بیازم و بنوعی دیگر با او حرب کنم
(دارا بنامه ص ۵۴۸ ج ۱ تصحیح دکتر مصفا)

«نقش کردن» صورت دیگر «نقش باختن» است که در دارا بنامه بهمان معنی
آمده است :

مبادا که این عیاری باشد و با من نقش کرده باشد (همان کتاب ص ۴۷۰)

هلال عیار با ایشان نقشی عجیب و حیلہ ای غریب کرده است (همان کتاب ص ۴۷۴)

اما باید دانست که «نقش کردن» و «نقش باختن» در مثالهایی که دیدیم بمعنی حیلہ-
گری نزدیکست امروز بجای «نقش کردن» و «نقش باختن» «نقش بازی کردن» بکار میبرند که
بیشک ترجمه از فرنگی است و بنظر نمیآید صورت تحول یافته «نقش کردن» «نقش باختن»
باشد .

« بحساب گرفتن » در فارسی و « Count on him » در انگلیسی و

« Compter sur quelqu'un » در فرانسه .

تو دعوی میکنی که من با ملک داراب سردر نمی آورم، اورا بحساب نمی گیرم،

ترا از این مقدار لشکر در حصار بودن دلیل عجز باشد

(دارا بنامه ص ۸۳۰ س ۷ ج ۱ تصحیح دکتر مصفا)

امروز برخی تحت تاثیر اصطلاحات فرنگی یاد شده بجای «بحساب گرفتن کسی»

«روی کسی حساب کردن» بکار می برند .